



مرد جوان که همسرش را به قتل رسانده بود سعی داشت مرگ او را مسمومیت دارویی نشان دهد که با تیزهوشی کارآگاه راز او فاش شد



قرص مرگ



پاسخ معمای پلیسی آتش انتقام

سرگرد بعد از بررسی ماجرا و اظهارات راننده نیسان با کشف دو سرنخ متوجه شد او سهیل را به قتل رسانده است.

اولین نکته گزارش پزشکی قانونی درباره نحوه قتل و آزار و اذیت دختر بچه بود که با اظهارات متهم همخوانی نداشت.

از سوی دیگر او مدعی بود که جسد را در ماشین مخفی کرده بود اما خاکی بودن لباس دختر بچه نشان داد، او در محلی دفن شده بود.

در این مسابقه معمای پلیسی ۱۴۳۶ مخاطب تپش شرکت کردند که از

این تعداد، ۸۵۲ نفر پاسخ صحیح داده و از میان افرادی که پاسخ صحیح داده اند، لیلا جمشیدی از تهران و اصغر ایمانی از قم به قید قرعه برنده شدند.

پرسیدم قرص خوردی که تأیید کرد. سریع با اورژانس تماس گرفتیم و او را به بیمارستان رساندم اما قرص ها قوی بود و زود اثر کرد.

سرگرد گشتی در خانه زد. همه چیر مرتب بود و آثار درگیری و به هم ریختگی دیده نمی شد. روی اپن آشپزخانه قوطی قرصی بود که روی آن نوشته بود برای لاغری. در قوطی را باز کرد. پراز قرص بود و به نظر می رسید تازه مصرف آن را شروع کرده است.

سینا وقتی قرص ها در دست سرگرد دید گفت: این قرص ها را برای لاغری مصرف می کرد. این قوطی را امروز برایش خریدم. کارآگاه بعد از بررسی ماجرا با بازپرس تماس گرفت و دستور بازداشت سینا را به اتهام قتل عمدی گرفت.

مادر داغدار به بازپرس گفت: مهربانش و سینا با هم اختلاف داشتند و دخترم قصد داشت از او جدا شود. مهربانش دختر سرزنده ای بود و انگیزه ای هم برای خودکشی نداشت. تنها موضوعی که از آن رنج می برد اضافه وزن و اختلافاتش با همسرش بود. برای اضافه وزن قرص گیاهی مصرف می کرد و توانسته بود وزن خودش را پائین بیاورد. مطمئن هستیم دامادمان او را با نقشه ای کشته است.

بازپرس بعد از این شکایت پرونده را برای رسیدگی به اداره آگاهی ارسال کرد تا درباره این ادعا تحقیق شود. پرونده در اختیار سرگرد رضوانی قرار گرفت و او در نخستین گام به بیمارستان رفت تا با دکتر صحبت کند. دکتر اورژانس هم تأیید کرد که مهربانش بر اثر مسمومیت با قرص برنج جان باخته است. «خیلی تلاش کردیم که او را از مرگ نجات دهیم اما مسمومیت شدید بود.»

سرگرد سپس راهی خانه این زوج شد. پارچه سیاهی بالای در خانه خودنمایی می کرد. کارآگاه به طبقه دوم رفت. چهار، پنج نفری در خانه حضور داشتند. سرگرد سراغ سینا را گرفت. مرد سیاهیوش روی مبل نشسته بود و به نظر می رسید حال و روز خوبی ندارد.

رضوانی خودش را معرفی کرد و از او خواست درباره روز قتل توضیح دهد. مرد جوان که هنوز در شوک مرگ همسرش است، گفت: همیشه تهدید می کرد که خودکشی می کند اما من باور نمی کردم و هیچ وقت تهدیدهایش را جدی نمی گرفتم. دیروز دوباره دعوایمان شد و به اتاقش رفت. وقتی بیرون آمد حالش خوب نبود. گفت راحت شدم. می دانستم مدتی است که قرص برنج خریده است.

وقتی گوشی را در دست گرفت تازه متوجه لرزش دستانش شد. شماره اورژانس را گرفت و درخواست کمک کرد. چند دقیقه بعد امدادگران اورژانس وارد خانه شده و بعد از معاینه زن جوان گفتند او دچار مسمومیت شدید شده و باید سریع به بیمارستان منتقل شود. زن جوان را روی برانکارد گذاشته و به نزدیکترین بیمارستان بردند. زن جوان در حالی که از درد به خودش می پیچید، به دکتر گفت: قرص لاغری خوردم و بعد به این روز افتادم. پیش از این هم از این قرص ها استفاده کرده بودم اما دچار مسمومیت نشده بودم.

پزشک دستور داد معده او را شست و شو بدهند. در همین حین شوهر مهربانش سراغ دکتر رفت و گفت: فکر کنم همسر من با قرص برنج قصد خودکشی داشته. البته من زود متوجه شدم و جلوبیش را گرفتم تا قرص بیشتری نخورد.

دکتر وقتی این موضوع را فهمید از پرستار خواست، مهربانش را به بخش مراقبت های ویژه ببرند اما زن جوان در مسیر دچار ایست قلبی شد و جان باخت.

ماجرای مرگ این زن به پلیس گزارش شد و قرار شد برای تعیین علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شود. صبح فردا پدر و مادر مهربانش به دادسرا مراجعه کردند و مدعی شدند دخترشان خودکشی نکرده و شوهرش او را کشته است.

شما خوانندگان عزیز برای مانویسید که سرگرد بعد از بررسی صحنه و صحبت با سینا چطور توانست راز قتل همسرش را فاش کند؟ اگر داستان را با دقت بخوانید متوجه می شوید. دو دلیل برای افشای راز این پرونده را همراه با نام و نام خانوادگی به شماره ۳۰۰۰۱۱۲۲۴ پیامک کنید. هر هفته به دو نفر از کسانی که پاسخ صحیح بدهند، به قید قرعه کارت هدیه ۵۰ هزار تومانی اهدا می شود

چرا همسر من را کشتم؟

تنها راهی که به ذهنم رسید، قتل او بود. با این کار هم از زندگی با او خلاص می شد و هم مجبور نبودم مهریه سنگین او را پرداخت کنم. فکر نمی کردم کسی متوجه ماجرا شود البته بعد از اینکه همسر من را مسموم کردم از کار خود پشیمان شدم اما دیر شده بود.

سینا وقتی رو به رو کارآگاه قرار گرفت فهمید هیچ راهی برای مخفی کاری ندارد و باید واقعیت را بگوید. "زندگی با همسر من برایم غیرقابل تحمل شده بود و او قصد داشت مهریه اش را اجرا بگذارد. مهریه اش ۱۳۶۵ سکه بود و قطعاً راهی زندان می شدم.

برگ سبز خودرو پژو ۴۰۶، مدل ۱۳۸۴، به رنگ خاکستری روشن، به شماره انتظامی ایران ۵۳-۵۳۰۶۸۳، شماره موتور 10FX5X2408267 و شماره شاسی 13802727 به نام پرهام ایتی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.